

بررسی آسیب‌شناسانه تأثیر نسخه‌های عبده و صبحی صالح بر ترجمه‌های معاصر نهج‌البلاغه

حامد پوررستمی*

چکیده

نهج‌البلاغه که آئینه اندیشه قرآن ناطق و ناطق قرآن یعنی امیر مؤمنان علی (ع) است، کتابی بس سترگ و پرمنزلت بوده که صورت انیق و سیرت عمیق آن موجبات تمایز این اثر را با دیگر آثار روایی رقم زده است.

از بدو طلوع و ظهور این اثر اهتمام ویژه‌ای به استنساخ و استخراج معارف آن مبذول شد که از حیث زمانی می‌توان نسخه‌های متنی (تنها متن) و نسخه‌های شرحی (متن همراه با شرح) نهج‌البلاغه را به سه دسته تقسیم کرد: ۱. نسخه‌های متقدم ۲. نسخه‌های متأخر ۳. نسخه‌های معاصر.

روشن است که معیار سنجش و اعتبار در بررسی‌های سندی نسخه‌های متنی و شرحی متقدم بوده، و نسخه‌های متأخر و معاصر نهج‌البلاغه برگرفته از نسخه‌های متقدم می‌باشند، اما نکته مهم در این میان، وجود اختلافات قابل ملاحظه‌ای است که میان نسخه‌های معاصر یعنی عبده و صبحی صالح و نسخه‌های متقدم و حتی متأخر به چشم می‌خورد. مهم‌تر آنکه به نظر می‌رسد متن غالب ترجمه‌های معاصر نهج‌البلاغه بر اساس نسخه‌های عبده و صبحی صالح سامان یافته و تحت تأثیر آن‌هاست. این مسئله خود اشکالات و اشتباهاتی را در حوزه متن، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه در میان معاصرین فراهم کرده و شواهدی وجود دارد که عبارتی در نسخه‌های عبده و صبحی صالح و به تبع آن در بسیاری از آثار و ترجمه‌های فارسی معاصر راه یافته است، در حالی که آن عبارت در هیچ یک از نسخه‌های متقدم و حتی متأخر یا ذکر نشده و یا به شکل متفاوتی درج شده است. این مقاله به بررسی و تحلیل موارد پیش‌گفته و برخی از شواهد آن مذکور می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

نسخه‌شناسی نهج‌البلاغه، ترجمه نهج‌البلاغه، نهج‌البلاغه عبده، نهج‌البلاغه صبحی صالح، آسیب‌شناسی.

مقدمه

نهج البلاغه کتابی گرانسنگ و پراوازه در میان منابع اسلامی است که در بردارنده سخنان و کلمات گوهر بار امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد. این کتاب منتخبی از خطبه ها و مواعظ، نامه ها و حکمت ها و کلمات کوتاه حضرت است که در قالب ۲۳۹ خطبه، ۷۹ نامه، ۴۷۲ حکمت و ۹ کلام غریب^۱ گردآوری شده است.^۲

طیف گسترده ای از موضوعات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، حکومتی و کلامی باعث شده که این کتاب برای ارباب علوم و فنون گوناگون به خصوص علوم انسانی، منبعی محوری و معتبر قلمداد گردد. به طور کلی، می توان به چهارده موضوع محوری نهج البلاغه اشاره کرد،^۳ هر چند معاجم موضوعی با نگاه تفصیلی و تبویی خود، عناوین و موضوعات نهج البلاغه (ریز موضوعات) را بسیار فراتر نگاشته اند.^۴ نهج البلاغه با وجود این گستردگی موضوعی و معرفتی، از صورتی زیبا و آهنگین و سیرتی بلند و عمیق برخوردار است. این در حالی است که در آثار دیگر نه تنها در چند بُعد، بلکه در یک بُعد نیز چنین وسعت، صورت و سیرتی به چشم نمی خورد.^۵

طرح مسئله

در میان آثار و تألیفات سید رضی^۶ معروف ترین آن ها نهج البلاغه می باشد. این کتاب از زمان تألیف خود مورد توجه عموم به خصوص اهل فن قرار گرفت. از جمله نسبت به استنساخ آن اهتمام ویژه شد، و نسخه های فراوانی از آن به نگارش درآمد. از قرن پنجم تا پایان سده دهم هجری حدود ۱۳۱ مورد از این نسخه ها (دست نویس های نهج البلاغه) شناسایی و معرفی شده است.^۷

از مهم ترین این نسخه ها می توان به نسخه مورخ ذی القعدة سال ۴۶۹ ق به خط حسین بن حسن بن حسین مؤدب قمی از دانشمندان قرن پنجم و ششم نام برد. او از شاگردان دوریستی و از مشایخ قطب راوندی بوده، و این نسخه را با یک واسطه با نسخه اصل به خط مؤلف مقابله و تصحیح کرده است.^۸ همچنین برخی از شروح نهج البلاغه که امروز در دست است، مربوط به قرن ششم و هفتم بوده که در آن متن اصلی نهج البلاغه

تبیین و تشریح گشته است. از جمله این شروح می‌توان به شرح معارج نهج‌البلاغه علی بن زید بیهقی، منهاج البراعة قطب‌الدین راوندی، حقائق الحقائق قطب‌الدین کیدری، شرح ابن ابی‌الحدید معتزلی و شرح ابن‌میثم بحرانی نام برد. برای مثال، شرح ابن‌میثم، شرحی است که متن اصلی آن برگرفته از نسخه اصلی نهج‌البلاغه و به خط مصنف آن می‌باشد.^۹ با گذشت زمان نسخه‌های شرح‌گون دیگری از نهج‌البلاغه به بازار عرضه شد که از جمله آن‌ها می‌توان به تنبیه الغافلین مولی فتح‌الله کاشانی (قرن دهم)، شرح منهاج الولاية صوفی تبریزی (قرن یازدهم) و شرح نهج‌البلاغه نواب لاهیجی (قرن سیزدهم) اشاره کرد، و تا نسخه‌های عصر حاضر که مشهورترین آن‌ها نسخه‌های شیخ محمد عبده و دکتر صبحی صالح است.

روی هم رفته می‌توان از حیث زمانی نسخه‌های متنی (تنها متن) و نسخه‌های شرحی (متن همراه با شرح) نهج‌البلاغه را (که امروزه در بازار موجود است)، به سه دسته تقسیم کرد: ۱. نسخه‌های متقدم ۲. نسخه‌های متأخر ۳. نسخه‌های معاصر.

روشن است که معیار سنجش در بررسی‌های سندی نسخه‌های متنی و شرحی متقدم است، و دیگر نسخه‌های متأخر و معاصر نهج‌البلاغه نیز برگرفته از همان نسخه‌هاست، اما مسئله فراروی ما آن است که آیا هماهنگی کاملی میان نسخه‌های متقدم و حتی نسخه‌های متأخر با نسخه‌های معاصر نهج‌البلاغه وجود دارد؟ به بیان دیگر، نسخه‌های معاصر نهج‌البلاغه تا چه میزان با نسخه‌های متقدم تطابق دارد؟ به عبارت دقیق‌تر آیا ممکن است عبارتی در نسخه‌های معاصر مانند عبده یا صبحی صالح یافت شود که در هیچ یک از نسخه‌های متقدم به چشم نخورد؟ مسئله دیگری که نگارنده مقاله به دنبال آن است آنکه در موارد اختلافی مورد نظر، غالب نسخه و ترجمه‌های معاصر نهج‌البلاغه مطابق با کدام دسته از نسخه‌ها می‌باشد، نسخه‌های متقدم یا معاصر؟

فرضیه مقاله بر آن است که ظاهراً اصل وجود این دسته از اختلافات میان نسخه‌های معاصر یعنی عبده و صبحی صالح با نسخه‌های متقدم و یا حتی متأخر استنباط می‌شود و به نظر می‌رسد متأسفانه متن غالب ترجمه‌های معاصر بر اساس نسخه‌های عبده و صبحی صالح و تحت تأثیر آن‌هاست، و این همه حکایت از این ضرورت دارد که در

تهیه و چاپ نسخه‌های نهج‌البلاغه دقت بیشتری لحاظ شود که متن کتاب با نسخه‌های متقدم و معتبر تطابق بیشتری داشته باشد، وگرنه هیچ وجهی ندارد که عبارتی در نسخه‌ای معاصر به چشم بخورد که در هیچ یک از نسخه‌های متقدم یافت نشود؛ مثلاً عبارتی در نسخه‌های عبده و صبحی صالح و به تبع آن در ترجمه‌های فارسی معاصر آمده باشد که در نسخه‌های متقدم و حتی متأخر نیامده و یا به شکل متفاوتی ذکر شده باشد.

تحلیل و بررسی شواهد

۱. خطبه ۱۸۹^{۱۰}

امیر مؤمنان علی (ع) در کلامی بلند به فضایل و ویژگی‌های قرآن کریم پرداخته، و در عبارتی این کتاب آسمانی را چنین توصیف می‌کند: «وَفَرَّقَانَا لَا يُخَمَدُ بُرْهَانُهُ وَتَبَيَّنَا لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ وَشِفَاءٌ لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ؛ و جدا کننده است (میان حق و باطل) که دلیل آن ناچیز نمی‌گردد، و بنایی است که پایه‌های آن ویران نمی‌شود، و بهبودی است که بیماری‌های (اهل) آن را خوف و بیمی نیست» که شاهد بحث عبارت (تَبَيَّنَا لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ) می‌باشد.

این عبارت در نسخه‌های عبده (بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۰)، صبحی صالح (بی‌تا، ص ۳۱۵) و به تبع آن در آثار و ترجمه‌هایی نظیر فیض الاسلام (۱۳۷۹ش، ص ۶۰۴)، دخیل (۱۳۶۷ش، ج ۱، حلقه ۲۱-۲۲، ص ۲۵)، حسینی شیرازی (بی‌تا، ج ۳، ص ۲۷۲)، سید عباس موسوی (۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۹۷)، شهیدی (۱۳۷۸ش، ص ۲۳۴)، آقامیرزایی (۱۳۷۹ش، ص ۲۴۲)، دشتی (۱۳۷۹ش، ص ۴۱۹)، فقیهی (۱۳۸۵ش، ص ۲۳۱)، شیروانی (۱۳۸۱ش، ص ۳۷۷)، انصاری (بی‌تا، ص ۵۷۰)، معادینخواه (۱۳۷۴ش، ص ۲۳۰)، داریوش شاهین (۱۳۷۶ش، ص ۸۱۹)، کاسب (۱۳۷۹ش، ص ۲۱۴)، منصوری (۱۳۷۸ش، ص ۹۲۷)، فولادوند (۱۳۸۱ش، ص ۲۵۲)، مبشری (۱۳۶۶ش، ص ۲۳۱)، زمانی (۱۳۷۸ش، خ ۱۹۸) به صورت (تبیاناً) مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از علل اصلی ذکر عبارت (تبیاناً) از جانب مترجمان، پیروی آنان از نسخه‌های عبده و صبحی صالح می‌باشد و به طور طبیعی این پیروی باعث شده که آنچه ترجمه شود، عبارت (تبیاناً) باشد، اما در نسخه‌های متقدم و حتی متأخر به

جای عبارت «تبیانا»، عبارت «بنیانا» مشاهده می‌گردد. از جمله این نسخه‌ها عبارت‌اند از نسخه خطی حسین بن حسن مؤدب قمی (مورخ ذی‌القعدة سال ۴۶۹ هـ.ق) (ص ۲۰۰)، شرح حدائق الحقائق قطب‌الدین کبیری (قرن ششم) (۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۱۵۷)، شرح منهاج البراعة قطب‌الدین راوندی (قرن ششم) (۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۲۹۶)، ترجمه نهج البلاغه (متعلق به قرن پنجم) به تصحیح عزیزالله جوینی (۱۳۷۷ ش، ج ۲، ص ۷۶)، شرح منهاج الولاية صوفی تبریزی (۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص ۵۱۵)، شرح نهج البلاغه نواب لاهیجی (بی‌تا، ص ۱۸۳)، شرح و ترجمه تنبيه الغافلين ملا فتح‌الله کاشانی (۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۵۶) از این رو، در بسیاری از نسخه‌های متقدم و متأخر عبارت نسخه عبده مشاهده نمی‌شود.

نکته اول:

در متن برخی از چاپ‌های امروزی شرح ابن‌میثم بحرانی (۱۳۶۲ ش، ج ۳، ص ۴۴۴) و ابن‌ابی‌الحدید معتزلی (ج ۱، ص ۱۹۰) عبارت «تبیانا» مشاهده می‌شود که محل تأمل است، زیرا درباره نسخه ابن‌میثم باید گفت هر چند در متن این چاپ‌ها عبارت «تبیانا» آمده است، اما آنچه ابن‌میثم بدان نظر داشته و شرح کرده، عبارت «بنیانا» است نه «تبیانا». این موضوع نشان می‌دهد متن اصلی ابن‌میثم با متن شرحی آن متفاوت بوده، و احتمالاً هنگام نسخه‌برداری از جانب ابن‌میثم یا دیگر نسخا، خطایی در ضبط و نگارش واژه صورت گرفته است، زیرا آنچه مورد نظر ابن‌میثم بوده، واژه «بنیانا» به معنای اساس و بنای محکم و راسخ است نه «تبیانا». البته نویسنده بسیار محتمل می‌داند که این اختلاف از جانب نسخا باشد نه از جانب ابن‌میثم. یعنی هنگام نسخه‌برداری از نسخه اصلی ابن‌میثم، برخی به اشتباه به جای لفظ «بنیانا» لفظ «تبیانا» را ضبط کرده باشند. به عبارت دیگر، در برخی از نسخه‌های ابن‌میثم اشتباهاتی از جانب نسخا صورت گرفته، و برخی از محققان و ناشران این متن را به شرح ابن‌میثم ضمیمه کرده‌اند، اما در مقابل، برخی از نسخه‌ها از این‌گونه اشتباهات محفوظ مانده، و متن صحیح را آورده‌اند که از جمله می‌توان به نسخه‌ای اشاره کرد که نزد علامه محمدتقی شوشتری موجود بوده است. (ر.ک: شوشتری، ۱۳۷۶ ش، ج ۱۳، ص ۵۴)

درباره نسخه ابن ابی‌الحدید نیز باید گفت ظاهراً در برخی از نسخه‌های او عبارت «تبیاناً» نیامده است، بلکه عبارت «بنیاناً» آمده که مطابق با نسخه خطی و دیگر نسخه‌های متقدم و معتبر نهج‌البلاغه است. قرینه‌ای که می‌توان برای تأیید مطالب پیش‌گفته آورد، نسخه موجود نزد علامه شوشتری و کلام او ذیل عبارت محل بحث است. این محقق، عبارت «تبیاناً» را مربوط به نسخه مصریه (عبده و...) دانسته و عبارت صحیح را همان «بنیاناً» معرفی می‌کند و می‌افزاید آنچه در نسخه‌های ابن ابی‌الحدید و ابن‌میثم و خطی وارد شده، «بنیاناً» است.^{۱۲}

از این رو به نظر می‌رسد آنچه در روایت امام علیه السلام بوده، و سید رضی نیز آن را ضبط کرده است، همان «بنیاناً» است نه «تبیاناً». افزون بر قراین پیش‌گفته، از حیث سیاق و ساختار معنایی نیز، «بنیاناً» با «(لا)تهدم ارکانه» سازگارتر و مناسب‌تر است، زیرا معنای ویرانی ارکان و ستون‌ها با بنیان و بنا سازگارتر است تا نسبت به تبیان، یعنی قرآن‌بنایی است که ستون‌هایش ویران نمی‌شود.

نکته دوم:

در این میان، نکته قابل توجه دیگر آن است که به جز اندکی مانند سید کاظم ارفع که «تبیاناً» را «بیان کننده‌ای» معنا کرده‌اند، برخی از مترجمان «تبیاناً» را به «بنیانی» یا «بنایی» ترجمه کرده، و برای این لفظ معنای «بنیان و بنا» را برگزیده‌اند (ر.ک: انصاری، بی‌تا، ص ۵۷۰/دشتی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۱۹/فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹ش، ص ۶۴۳/معادیخواه، ۱۳۷۴ش، ص ۲۳۰/شاهین، ۱۳۷۶ش، ص ۸۱۹/منصوری، ۱۳۷۸ش، ص ۹۲۷/فولادوند، ۱۳۸۱ش، ص ۲۵۲/مبشری، ۱۳۶۶ش، ص ۲۳۱) در حالی که اساساً «تبیاناً» به معنای ایضاح و روشن کردن است. (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۶۸/زبیدی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۴۹/طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۴۲) همچنان‌که در قرآن کریم و درباره آن، این واژه به این معنا به کار رفته است.^{۱۳} به هر روی، این مسئله خود جای تعجب است که چرا مترجمان یکی پس از دیگری با وجود آوردن «تبیاناً» آن را به معنای بنیان، اساس، بنا و مانند آن ترجمه کرده‌اند.

۲. خطبه ۱۲۱

یکی دیگر از عباراتی که در نهج‌البلاغه به چشم می‌خورد، عبارت «و انّ الکتاب لمعی ما فارقته مذ صحبتته» کتاب خدا (قرآن کریم) با من است؛ از زمانی که با آن مصاحب و همراه گردیده‌ام، جدا نگشته‌ام، می‌باشد.

این عبارت در نسخه عبده (بی‌تا، ج ۲، ص ۲) نقل شده و به تبع آن در آثار و ترجمه‌هایی همچون صبحی صالح (بی‌تا، ص ۱۷۸)، مغنیه (۱۹۷۲م، ج ۲، ص ۲۲۰)، سید صادق موسوی (۱۳۷۶ش، ص ۴۸۱)، حسینی شیرازی (بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۹)، سید عباس موسوی (۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۳۳)، فیض الاسلام (۱۳۷۹ش، ص ۳۷۷)، جعفری (بی‌تا، ج ۹، ص ۱۳۱)، مکارم شیرازی (بی‌تا، ج ۲، ص ۷۵)، ارفع (۱۳۷۹ش، ص ۴۳۵)^{۱۴}، آقامیرزایی (۱۳۷۹ش، ص ۱۲۸)^{۱۵}، آیتی (۱۳۷۸ش، ص ۲۸۳)^{۱۶}، احمدزاده (۱۳۷۸ش، ص ۱۱۱)^{۱۷}، انصاریان (۱۳۷۹ش، ص ۲۷۶)^{۱۸}، اولیایی (۱۳۷۶ش، ص ۵۳۹)^{۱۹}، بهشتی (بی‌تا، ص ۱۳۹)^{۲۰}، مبشری (۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۴۷۶)^{۲۱}، فارسی (۱۳۷۶ش، ص ۱۳۹)^{۲۲}، دین‌پرور (۱۳۷۹ش، ص ۱۷۳)^{۲۳} و شرقی (۱۳۶۳ش، ص ۱۷۸)^{۲۴} به چشم می‌خورد که تمامی آن‌ها در زمره نسخه‌های معاصر نهج‌البلاغه قلمداد می‌شوند.

به تبع این نقل برخی از شارحان معاصر نهج‌البلاغه نیز ذیل آن از مصاحبت و اقتران امام معصوم علیه السلام با قرآن و عدم افتراق این دو ثقل گرانبها سخن رانده‌اند. به طوری که میرزا حبیب‌الله خویی در این باره آورده است: «مراد حضرت آن است که کتاب خداوند چه از حیث لفظی و چه معنوی همواره همراه و هم‌سوی من است نه من از آن جدا شده‌ام، و نه آن کتاب شریف لحظه‌ای از من مفارقت داشته است، و هرگز نسبت به کاری که مخالف قرآن باشد و موجبات عصیان الهی را فراهم کند، اقدام نورزیده‌ام». (راوندی، ۱۳۶۴ش، ج ۸، ص ۱۴۵)

دیگر شارح نهج‌البلاغه، علامه محمدتقی جعفری نیز مراد امام علیه السلام را چنین دانسته است: «کلام خدا که قرآن نامیده می‌شود، در اعماق جان من موج می‌زند، من از قرآن جدا نبوده و نخواهم بود. مگر نه این است که ما اهل بیت و قرآن، دو ثقل جاودانی هستیم که پیامبر در میان انسان‌ها گذاشته و رفته است.» (بی‌تا، ج ۹، ص ۱۳۱)

همچنین دیگران نیز ضمن نقل عبارت مذکور، مراد امام علیه السلام را عدم مخالفت و سرپیچی حضرت از فرامین و احکام قرآن ارزیابی کرده‌اند.^{۲۵}

اما به نظر می‌رسد اساساً عبارت «و ان الکتاب لمعی فارقه مذ صحت» از امام علیه السلام صادر نشده و جزو متن نهج البلاغه و کلام امام علیه السلام نباشد، زیرا در هیچ یک از نسخه‌های معتبر متقدم و حتی متأخر نهج البلاغه این عبارت نیامده است. در این میان، می‌توان به نسخه خطی ابن مؤدب قمی (۴۶۹ ق) (خطبه ۱۲۲، ص ۱۰۴)، اعلام سرخسی (قرن ۶) (ص ۱۲۰)، منهاج البراعة قطب‌الدین راوندی (قرن ۶) (۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۲۷)، شرح ابن ابی‌الحدید (قرن ۷) (۳۳۷ ش، ج ۷، ص ۲۹۷)، ترجمه نهج البلاغه (قرن ۵-۶) (جوینی، ۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۲۷۹)، تنبیه الغافلین ملا فتح‌الله کاشانی (قرن ۱۰) (۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۵۸۳)، شرح نواب لاهیجی (قرن ۱۳) (بی‌تا، ص ۱۲۱) اشاره کرد.

بنابراین، مترجمان نهج البلاغه تحت تأثیر نسخه‌هایی همچون عبده و صبحی صالح، به ترجمه عباراتی از نهج البلاغه پرداخته‌اند که سید رضی اساساً آن‌ها را نقل نکرده است، و در نسخه‌های متقدم و معتبر نیز به چشم نمی‌خورد.

نکته اول:

نکته‌ای که پیش از این درباره عبارت «بنیانا لاتهدم ارکانه؛ بنیانی است که ارکان آن ویران نمی‌شود» در شرح ابن‌میثم گذشت، در اینجا نیز صادق بوده و رخ نموده است. یعنی هر چند این عبارت (و ان الکتاب لمعی ما فارقه مذ صحت) در برخی از چاپ‌های امروزی شرح نهج البلاغه ابن‌میثم دیده می‌شود، اما به نظر می‌رسد در متن نسخه‌های قدیمی‌تر وجود نداشته است؛ برای مثال، نسخه‌ای از شرح ابن‌میثم که نزد محمدتقی شوشتری موجود بود، فاقد عبارت مذکور بوده است. چنانچه شوشتری خود اشاره بر این مطلب دارد و می‌گوید: «این عبارات (یعنی عبارت «ان الکتاب لمعی ما فارقه مذ صحت» و عبارت پیش از آن) در نسخه‌های ابن ابی‌الحدید و ابن‌میثم وجود ندارد، و در هیچ نسخه یا روایتی نیز اشاره‌ای به آن‌ها نشده است. با توجه به آنکه این دو نسخه به‌خصوص نسخه ابن‌میثم که به خط مصنف می‌باشد، از نسخه‌های صحیح نهج البلاغه هستند.^{۲۶}

همان‌طور که پیداست شوشتری تصریح می‌کند که عبارت محل بحث در نسخه ابن ابی‌الحدید و ابن‌میثم موجود نبوده در حالی که این دو نسخه از نسخه‌های صحیح نهج‌البلاغه هستند. وی می‌افزاید که نسخه اصلی نهج‌البلاغه به خط مصنف آن (سید رضی) نزد ابن‌میثم بحرانی موجود بوده در حالی که در نسخه او عبارت مذکور دیده نمی‌شود. وی در ادامه می‌افزاید که ممکن است برخی عبارت مذکور را در منبع دیگری از امام علیه السلام دیده، و آن را در حاشیه این خطبه نقل کرده باشند، اما بعد این عبارت با متن آن خلط شده باشد. (ر.ک: شوشتری، ۱۳۷۶ش، ج ۱۰، ص ۳۷۷) با این حال، این قول علامه شوشتری نیز بعید به نظر می‌رسد، زیرا بررسی‌های صورت گرفته حکایت از آن دارد که عبارت مورد بحث در هیچ یک از منابع معتبر شیعی و سنی نیز نقل نشده است.^{۲۷}

دلیل دیگر بر عدم وجود چنین عبارتی در نسخه صحیح ابن‌میثم آن است که ابن‌میثم در شرح خود هیچ گونه اشاری به جمله مذکور نکرده، و در شرح و تبیین آن سخنی نرانده است، در حالی که به شرح عبارات قبل و بعد از عبارت مذکور اهتمام ورزیده است (ر.ک: ابن‌میثم بحرانی، ۱۳۶۲ش، ج ۳، ص ۱۱۹-۱۲۰) و این قرینه‌ای است که اساساً در متن نسخه صحیح ابن‌میثم، اثری از عبارت مذکور نباشد، همان‌طور که در نسخه موجود در نزد علامه شوشتری این عبارت وجود نداشته است.

نکته دوم:

هر چند عبارت «و ان الکتاب لمعی ما فارقه مذ صحبت» در هیچ یک از نسخه‌های متقدم و متأخر نهج‌البلاغه و حتی منابع روایی دیده نمی‌شود، اما مضمون این کلام یعنی معیت قرآن و عترت در بسیاری از منابع معتبر نقل شده است. از جمله روایت امام علی علیه السلام: «ان الله طهرنا و عصمنا و جعلنا شهداء علی خلقه و حجتة فی ارضه و جعلنا مع القرآن و جعل القرآن معنا لا نفارقه و لا یفارقنا» خداوند متعال ما را پاک و مصون داشته و ما را شاهدان بر خلق و حجت خود در زمین قرار داده است، و ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داده به طوری که هرگز از قرآن جدا نشده و آن نیز از ما جدا نمی‌شود. (کلینی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۹۱/ صفار، ۱۳۶۲ش، ص ۱۰۳/ صدوق، ۱۴۰۵ق، ص ۲۴۰)

همچنین علاوه بر آن از دیگر معصومان نیز روایاتی مشابه مضمون روایت فوق نقل گردیده است.^{۲۸}

اما در این میان، روایت نبوی «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» از شهرت و یژهای برخوردار است، و بسیاری از منابع معتبر شیعی و سنی آن را نقل کرده‌اند.^{۲۹} همچنین مفاد روایت تقلین نیز بر معیت اهل بیت (علیهم السلام) با قرآن و عدم افتراق آن‌ها از یکدیگر دلالت دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «انی تارک فیکم الثقلین: کتاب الله و اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»؛ من در میان شما دو چیز گرانبها باقی می‌گذارم؛ کتاب خدا و اهل بیتم را و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در حوض (کوثر) بر من وارد شوند.^{۳۰}

بنابراین با توجه به کثرت نقل روایات معیت در منابع معتبر و نقل آن از چند تن از امامان معصوم (علیهم السلام) با مضامین یکسان یا مشابه و همچنین پشتیبانی مضمون این روایات توسط روایات متواتر تقلین می‌توان به این گونه روایات و صدور آن اعتماد کرد. هر چند سید رضی در نهج البلاغه و به تبع آن نسخه‌های معتبر آن، عبارت محل بحث را نقل نکرده‌اند، و آنچه در نسخه‌های معاصر مانند عبده و صبحی صالح به چشم می‌خورد، قابل اعتماد و استناد نیست.

۳. خطبه ۱۵۳

یکی دیگر از عباراتی که در نسخه‌های معاصر نهج البلاغه مانند عبده (بی تا، ج ۲، ص ۴۴، خطبه ۱۴۹) و صبحی صالح (بی تا، ص ۲۱۵، خطبه ۱۵۴) به چشم می‌خورد، عبارت «فیهم کرائم القرآن» است. از امام (علیه السلام) پیرامون وصف فضایل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است: «فیهم کرائم القرآن و هم کُنُوزُ الرَّحْمَنِ إِن نَّطَقُوا صَدَقُوا وَإِن صَمَتُوا لَمْ یُسَبِّحُوا»؛ آیات قرآن آنچه در مدح و منقبت علم و هدایت است، درباره ایشان نازل شده و آنان گنج‌های خداوند بخشنده هستند (حق تعالی تمام گوهرهای گرانبها یعنی جمیع صفات پسندیده از قبیل علم و حلم و جود و شجاعت و فصاحت و بلاغت و عصمت و طهارت و مانند آن‌ها را در ایشان قرار داده، پس از این جهت است که) اگر به گفتار

۱۴۵ □ بررسی آسیب‌شناسانه تأثیر نسخه‌های عبده و صبحی صالح بر...

لب گشایند راست گویند، و اگر خاموش باشند دیگری بر آنان پیشی نگرفته (زیرا سکوتشان از روی حکمت و مصلحت است، نه از روی عجز و ناتوانی که دیگری بر آنها سبقت گیرد و سخن گوید).^{۳۱}

در پی نقل عبده و صبحی صالح در بسیاری از ترجمه‌های نهج‌البلاغه عبارت «کرائم القرآن» دیده می‌شود مانند فیض الاسلام (۱۳۷۹ش، ص ۴۸۰، خطبه ۱۵۳)، مکارم شیرازی (بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۹)^{۳۲}، مبشری (۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۵۷۷)^{۳۳}، شهیدی (۱۳۷۸ش، ص ۱۵۲)^{۳۴}، ارفع (۱۳۷۹ش، ص ۵۴۳)^{۳۵}، احمدزاده (۱۳۷۸ش، ص ۱۳۹)^{۳۶}، شرقی (۱۳۶۳ش، ص ۱۸۵)^{۳۷}، معادیخواه (۱۳۷۴ش، ص ۱۷۴)^{۳۸}، فارسی (۱۳۷۶ش، ص ۱۷۸)^{۳۹}، دشتی (۱۳۷۹ش، ص ۲۸۵)^{۴۰} و بهشتی (بی‌تا، ص ۱۶۱)^{۴۱}

بررسی‌ها در نسخه‌ها و شروح قدیمی نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که در این مورد نیز عبارت نسخه‌های عبده و صبحی صالح با نسخه‌های متقدم و حتی متأخر همخوانی ندارد. یعنی عبارت «کرائم القرآن» در این گونه نسخه‌ها به چشم نمی‌خورد. به عبارت دیگر، آنچه در نسخه خطی ابن مؤدب قمی (۴۶۹ق) (ص ۱۲۹، خطبه ۱۵۴)، ابن ابی‌الحدید معتزلی (قرن هفتم) (۱۳۳۷ش، ج ۹، ص ۱۷۵، خطبه ۱۵۴)، قطب‌الدین راوندی (قرن ششم) (۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۸۹)، بیهقی کیدری (قرن ششم) (۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۶۷۳)، ترجمه نهج‌البلاغه (قرن پنجم و ششم) (جوینی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۳۵۵)، ملا فتح‌الله کاشانی (قرن دهم) (۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۷۰۸)، صوفی تبریزی (قرن یازدهم) (۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۵۲۹) و شرح نواب لاهیجی (قرن سیزدهم) (بی‌تا، ص ۱۴۱) آمده، عبارت «کرائم الایمان» است. بر این اساس به نظر می‌رسد آنچه سید رضی در نهج‌البلاغه نقل کرده باشد، عبارت «کرائم الایمان» باشد و مترجمان نهج‌البلاغه بر اساس نقل عبده و صبحی صالح عبارتی را ترجمه کرده‌اند که نسخ معتبر نهج‌البلاغه فاقد آن است.

نکته اول:

در اینجا نیز مشاهده می‌گردد که هر چند در متن شرح نهج‌البلاغه ابن‌میثم، عبارت «فیهم کرائم القرآن» (ر.ک: ۱۳۶۲ش، ج ۳، ص ۲۴۷) آمده، آنچه شرح شده و ابن‌میثم بدان پرداخته، عبارت «کرائم الایمان» است، به طوری که ابن‌میثم هنگام شرح این بخش

می نویسد: «أقول: الإشارة إلى فضائل أهل البيت عليهم السلام فالأولى: فيهم كرائم الإيمان: أي نفائسه المستلزمة لأشدية القرب من الله تعالى كالأخلاق الفاضلة و الاعتقادات الحقّة المطابقة لما عليه الأمر نفسه»؛ می گویم: این کلام امام علیه السلام به فضایل اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد. نخست آنکه امام علیه السلام می فرماید: «فيهم كرائم الايمان» یعنی گنجینه ها و والاترین نشانه های ایمان که بیانگر شدت قرب به خداوند متعال است، در خاندان وحی موج می زند مانند اخلاق فاضله و اعتقادات حقّه که با امر الهی مطابقت دارند. (همان، ج ۳، ص ۲۴۹) این امر حاکی از آن است که آنچه در نسخه اصلی ابن میثم مضبوط بوده و ملاک شرح قرار گرفته، عبارت «كرائم الايمان» است. بر این اساس، نگارنده بر این باور است که در نسخه های قدیمی تر شرح ابن میثم، علاوه بر متن شرحی، در متن اصلی شرح ابن میثم نیز عبارت «كرائم الايمان» باشد.

از قرائن مؤید قول فوق آن است که در نسخه شرح ابن میثم که نزد علامه محمدتقی شوشتری موجود بود، عبارت «فيهم كرائم الايمان» ضبط شده بود، و وی تصریح می کند که در شرح ابن ابی الحدید و ابن میثم به جای عبارت «كرائم القرآن» عبارت «كرائم الايمان» نقل شده است.^{۴۲}

نکته دوم:

بررسی ها نشان می دهد که هر چند عبارت «فيهم كرائم الايمان» در نهج البلاغه و نسخه های معتبر آن وجود دارد، این عبارت در هیچ یک از منابع روایی، تفسیری و تاریخی مشاهده نشده، و تنها علی بن محمد لیثی واسطی (قرن ششم) در عیون الحکم و المواعظ، عبارت «هم كرائم الايمان و كنوز الرحمن» را نقل کرده است که البته اشاره ای به سند نقل خود نکرده است، و به نظر می رسد او نیز به نقل نهج البلاغه استناد جسته است. (همان، ص ۵۱۴)

از سوی دیگر، عبارت «كرائم القرآن» (که در نسخه های معتبر نهج البلاغه رؤیت نشده است)، در بسیاری از منابع متقدم و معتبر اسلامی از جانب معصومین علیهم السلام به کار رفته است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. احمد بن محمد خالد برقی (م ۲۷۴ ق) با سند خود حدیثی را از امام صادق علیه السلام

بررسی آسیب‌شناسانه تأثیر نسخه‌های عبده و صبحی صالح بر... □ ۱۴۷

می‌آورد که می‌فرماید: «قال رسول الله ﷺ: "من مات و هو لا يعرف امامه مات ميتة جاهلية" فعليكم بالطاعة... لنا كرائم القرآن و نحن اقوام افترض الله طاعتنا و لنا الانفال و لنا صفو المال» (بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۴، حدیث ۷۸)

۲. قاضی نعمان تمیمی مغربی (م ۳۶۳ ق) در شرح الاخبار (بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۳)، فرات کوفی (م ۳۵۲ ق) در تفسیر خود (۱۴۱۰ اق، ص ۴۷)، حاکم حسکانی (قرن پنجم) در شواهد التنزیل (۱۴۱۱ اق، ج ۱، ص ۵۷)، ابن ابی‌الفتح اربلی (م ۴۹۳ ق) در کشف الغمّة (۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۳۲۱)، علامه حلی (م ۷۲۱ ق) در کشف الیقین (۱۴۱۱ اق، ص ۳۵۴) و سلیمان بن ابراهیم قندوزی (م ۱۲۹۴ ق) در ینابیع المودة (۱۴۱۶ اق، ج ۱، ص ۳۷۷) به نقل از اصیغ بن نباته از امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (ع) آورده‌اند: «نزل القرآن اربعا فریع فینا و ربع فی عدونا و ربع سیر و امثال و ربع فرائض و احکام و لنا کرائم القرآن».

البته عیاشی (م ۳۲۰ ق) در تفسیر خود، حدیث فوق را از امام باقر (ع) نقل می‌کند. (بی‌تا، ج ۱، ص ۹)

۳. فرات کوفی در تفسیر خود به نقل از ابن عباس می‌آورد که: «قال النبی ﷺ: ان الله تعالى انزل فی علیّ کرائم القرآن» (۱۴۱۰ اق، ص ۴۷)

۴. شاذان بن جبرئیل قمی (م ۶۶۰ ق) در کتاب الفضائل در حدیثی از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر (ص) به مردم فرمود: «علموا ان القرآن اربعة ارباع ربع فینا اهل البيت و ربع قصص و امثال و ربع فرائض و انذار و ربع احکام و الله انزل فی علیّ کرائم القرآن» (۱۳۸۱ اق، ص ۱۲۵)

همچنین شایان ذکر است که در مقدمه آثار زعمای شیعه مانند شیخ صدوق و شیخ مفید مضامینی به چشم می‌خورد که سند و صحت عبارت «فیهم کرائم القرآن» را بیشتر تقویت می‌کند،^{۴۳} و استعمال این عبارت در آثار بزرگان متقدم و از سوی دیگر، عدم استعمال عبارت «کرائم الایمان» در منابع روایی و غیر روایی خود قرینه‌ای قابل توجه به شمار می‌رود.

نتیجه آنکه با توجه به مطالب پیش گفته، دو احتمال در این میان مطرح است:

۱. صدور عبارت «کرائم الایمان» از امام علیه السلام و صحت آن؛ هر چند تنها سید رضی در نهج البلاغه آن را نقل کرده باشد.

۲. اشتباه در ضبط واژه یعنی به جای واژه «القرآن»، «الایمان» ضبط شده است که ظاهراً از جانب سید رضی رخ داده، و دیگران نیز مانند ابن مؤدب، ابن میثم، ابن ابی الحدید به تبع نسخه اصلی نهج البلاغه، عبارت «کرائم الایمان» را آورده باشند. به نظر می‌رسد با توجه به قراین پیش گفته، احتمال دوم به واقع نزدیک‌تر باشد، زیرا عبارت «کرائم الایمان» از پشتوانه سندی و مصدري برخوردار نمی‌باشد، و از سوی دیگر، اشتباه انسانی در ضبط و نگارش یک واژه امری طبیعی قلمداد می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که گذشت، بررسی برخی از شواهد نشان می‌دهد که برخی اختلافات متنی میان نسخه‌های معاصر نهج البلاغه مانند عبده و صبحی صالح و نسخه‌های معتبر متقدم و حتی متأخر وجود دارد.

نکته قابل توجه در این میان آنکه مأخذ غالب ترجمه‌های معاصر نهج البلاغه بیش از آنکه نسخه‌های متقدم باشد، نسخه‌های معاصر مانند عبده و صبحی صالح است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان علت چنین امری را سهولت دسترسی به نسخه‌های عبده و صبحی صالح و شهرت آنها و صعوبت استفاده از نسخه خطی و شروع نهج البلاغه دانست.

به هر روی، این موضوع باعث شده که در موارد اختلافی، غالب مترجمان نهج البلاغه به ترجمه عباراتی همت گمارند که جزو نقل سید رضی و متن نهج البلاغه نبوده است.

به نظر می‌رسد برای برون‌رفت از این مشکل ابتدا نسخه‌ای از نهج البلاغه تهیه شود که با نسخ خطی و شروع متقدم و متأخر نهج البلاغه (و در صورت نیاز با منابع معتبر روایی و تفسیری) هماهنگ باشد، و سپس بر اساس آن به ترجمه یا شرح نهج البلاغه همت گماشته شود.

از این رو، با توجه به مطالب و قراین پیش‌گفته، باید گفت که در استناد به شواهد نهج‌البلاغه توجه به این نکته ضروری است که معیار، نسخه‌های معاصر نباشد، بلکه نسخه‌های معتبر متقدم و یا متأخر ملاک سنجش قرار گیرد. البته به باور نویسنده، اصل مطالب و مضامین نهج‌البلاغه از اعتبار برخوردار است، و می‌توان به آن اعتماد و در موضوعات گوناگون به شواهد آن استناد جست، و حکم به ضعف یا عدم اعتبار مورد یا بخشی از این کتاب سترگ، منوط به ارائه قریب‌نمای محکم و مستدل است.



پی‌نوشت‌ها:

۱. بعد از حکمت ۲۵۲، سید رضی بابی را تحت عنوان (فصل نذکر فیه شیئاً من اختیار غریب کلامه علیه السلام) گشوده و در آن به پردازش معنایی نه سخن از امام که از حیث معنا و لفظ دشوارتر به نظر می‌رسند، پرداخته است.

۲. این کمیت در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکم بر اساس نسخه فیض الاسلام است.

۳. این موضوعات عبارت‌اند از: ۱. الهیات و ماوراء الطبیعه ۲. سلوک و عبادت ۳. حکومت و عدالت ۴. اهل البیت و خلافت ۵. موعظه و حکمت ۶. دنیا و دنیاپرستی ۷. حماسه و شجاعت ۸. ملاحم و مغیبات ۹. دعا و مناجات ۱۰. شکایت و انتقاد از مردم زمان ۱۱. اصول اجتماعی ۱۲. اسلام و قرآن ۱۳. اخلاق و تهذیب نفس ۱۴. شخصیت‌ها. (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۶ش، ص ۴۷-۴۸)

۴. ر.ک: دشتی، بی‌تا/ انصاریان، ۱۳۵۷ش/ معادینخواه، ۱۳۷۲-۱۳۷۴ش/ لیب بیضون، ۱۳۷۵ش/ خاتمی، ۱۳۸۱ش/ ارفع، ۱۳۷۹ش. برای مثال در معجم فرهنگ آفتاب (نه جلدی) و فرهنگ‌نامه موضوعی نهج‌البلاغه بیش از ۱۰۰۰ مدخل و عنوان ذکر شده است.

۵. در این باره ابن ابی‌الحدید معتزلی (م ۶۵۶ ق) پس از نقل نامه ۳۵ نهج‌البلاغه با شگفتی و شیفتگی تمام، چنین می‌نویسد: «فصاحت را بنگر که چگونه زمام خود را به دست این مرد داده است و افسار خود را در اختیار او. از نظم عجیب الفاظ به کار رفته تعجب کن که چگونه یکی یکی مانند زنجیره‌ای نرم پشت سر هم قرار گرفته و مانند چشمه‌ای خود به خود و بدون زحمت و تکلف می‌جوشند و تا اینکه به آخر کلام ختم می‌شوند... سبحان الله! جوانی از عرب

در شهری مانند مکه بزرگ می‌شود، با هیچ حکیمی برخورد نکرده است، اما سخنانش در حکمت نظری، بالادست سخنان افلاطون و ارسطو قرار گرفته است. با اهل حکمت عملی و ارباب آداب نفسانی معاشرت نکرده، اما شهرت او از سقراط فراتر رفته است. میان شجاعان و دلاوران تربیت نشده (چرا که اهل مکه اهل تجارت بودند) اما شجاع‌ترین افراد از کار درآمده که بر روی زمین راه رفته است. (ر.ک: ۱۳۳۷ش، ج ۱۶، ص ۱۴۵-۱۴۶)

۶. بخشی از آثار سید رضی عبارت‌اند از: *حقائق التأویل فی متشابه التنزیل* (در تفسیر قرآن: سورة آل عمران و سورة نساء تا آیه ۴۸)؛ *خصائص الائمة* (در تاریخ زندگی ائمه که در آن فقط خصائص امیر مؤمنان علیه السلام نگاشته شد، و باقی آن به دلیل گرفتاری‌های بی‌شمار سید رضی نانوشته ماند)؛ *مجازات النبویه* (در شرح ۳۶۱ حدیث نبوی و وجوه بلاغی آن)؛ *دیوان شعر* (مشمول بر بیش از ۶۳۰۰ بیت).

۷. ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۹ش. گفتنی است این تعداد مربوط به نسخه‌هایی است که موجود بوده، و به دست مؤلف رسیده است. از این رو، نسخه‌های به نگارش درآمده از *نهج البلاغه* بسیار فراتر از این تعداد است.

۸. همان، ص ۸۷ این نسخه اکنون در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۳۸۲۷ موجود است.
۹. برای مثال، علامه محمدتقی شوشتری در شرح خود در جاهای مختلف به این موضوع تصریح کرده است. از جمله وی درباره عبارت «کأنهم لم یسمعوا کلام الله حیث یقول» که در نسخه مصریه چنین آمده، می‌نویسد: عبارت صحیح همان است که در نسخه ابن ابی‌الحدید و ابن‌میثم وارد شده است یعنی «کأنهم لم یسمعوا الله سبحانه یقول» به‌خصوص نسخه ابن‌میثم که به خط مصنف آن می‌باشد؛ «کأنهم لم یسمعوا کلام الله حیث یقول» هکذا فی (المصریه)، و الصواب ما فی (ابن ابی‌الحدید و ابن‌میثم): «کأنهم لم یسمعوا الله سبحانه یقول» لأصحّیه نسخیهما لا سیما الثانی الذی نسخه بخط مصنفه. (بهج الصباغه، ج ۵، ص ۲۴۰/ همچنین ر.ک: ج ۴، ص ۴۴۵ و ج ۵، ص ۲۲۸)

۱۰. آدرس شواهد *نهج البلاغه* بر اساس نسخه مصحح بنیاد *نهج البلاغه* است.

۱۱. چنان‌که ابن‌میثم می‌آورد: «بنیاناً لا تهدم ارکانه» استعار لفظ «بنیان» لما انتظم من الکتاب و رسخ فی القلوب. (شرح ابن‌میثم بحرانی، ج ۳، ص ۴۵۸)

۱۲. علامه شوشتری می‌نویسد: «و تبیاناً هکذا فی (المصریه)، و لا معنی له و الصواب: (و بنیاناً) کما فی ابن ابی‌الحدید و ابن‌میثم و الخطیة» (ر.ک: شوشتری، ۱۳۷۶ش، ج ۱۳، ص ۵۴)

۱۳. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹)

۱۴. زیرا کتاب خدا (قرآن) با من است و از زمانی که با آن مصاحب بوده‌ام، از آن جدا نشده‌ام.

۱۵. که همانا قرآن با من است و از آن زمان که یار آن شدم، جدا از آن نبوده‌ام.

۱۶. زیرا کتاب خدا با من است و از آن زمان که با آن بوده‌ام، از آن جدا نشده‌ام.

۱۷. زیرا که قرآن-همیشه- با من است و از دمی که همراهم بوده، تاکنون از آن جدا نشده‌ام.

۱۸. و کتاب خدا با من است، از وقتی با آن مأنوس شدم، هرگز از آن جدا نشده‌ام.

۱۹. زیرا که من با قرآن کریم همراه بوده و از زمانی که با آن پیوند کرده‌ام، هیچ وقت از آن جدا نشده‌ام.

۲۰. زیرا که من با قرآن کریم همراه بوده و از زمانی که با آن پیوند کرده‌ام، هیچگاه از آن جدا نشده‌ام.

۲۱. کتاب خدا با من است و از هنگامی که با آن مصاحبت داشتم، هرگز از آن جدا نشده‌ام.

۲۲. که همیشه کتاب را با خود داشتم، و از دمی که همراهم بوده است تا امروز آن را کنار نگذاشته‌ام.

۲۳. بی‌شک قرآن با من است، از آنگاه که آن را یافتم و در کنارش بودم، از آن جدا نشدم.

۲۴. و کتاب با من است و از آن جدا نشدم از زمانی که با او مصاحب شدم.

۲۵. «ای لم اخالف احکامه من يوم اسلمت» حسینی شیرازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۰؛ (از وقتی که به پیغمبر ایمان آورده‌ام، به کاری مخالف قرآن اقدام ننموده‌ام). فیض الاسلام، ۱۳۷۹ش، خطبه ۱۲۱.

۲۶. «هذه الفقرات كلها ليس منها في» (ابن ابی‌الحدید و ابن میثم) اثر و لا اشاره بوجودها فی نسخة او رواية و نسختها هي الصحيحة لاسيما الثاني (یعنی نسخه ابن میثم) الذي نسخة بخط المصنف.

۲۷. به طوری که با بررسی‌های نرم‌افزاری صورت گرفته بر روی بیش از سه هزار منبع متقدم و متأخر روایی، تفسیری و تاریخی عبارت مذکور یافت نشده است، و اینکه برخی مانند سید صادق موسوی در تمام نهج‌البلاغه ذیل این خطبه منابعی چون الامامة و السياسة ابن‌قتیبه و تاریخ طبری را نقل کرده‌اند، این منابع ناظر به نقل برخی از بخش‌های خطبه می‌باشد نه تمام خطبه. یعنی برخی از بخش‌های خطبه ۱۲۱ از جمله عبارت محل بحث در دو منبع فوق‌الذکر نقل نشده است.

۲۸. در بخشی از روایت رسول اکرم ﷺ آمده است: «هم مع القرآن والقرآن معهم لا یفارقونه ولا یفارقهم». ر.ک: هلالی (قرن اول)، بی تا، ص ۱۸۴ / مفید (م ۴۱۳ ق)، ۱۴۱۴ اق، ص ۱۲۱ / کراجکی (۴۴۹ ق)، ۱۴۰۵ اق، ص ۱۲. همچنین ابی حمزه ثمالی از امام باقر (ع) نقل می کند: «فان القرآن مع العترة و العترة مع القرآن و هما حبل الله المتین لا یفترقان.» (نعمانی (۳۸۰ ق)، بی تا، ص ۴۳)

۲۹. ر.ک: حاکم نیشابوری (۴۰۵ ق)، ۱۴۰۶ اق، ج ۳، ص ۱۲۴ / طبرانی (۳۶۰ ق)، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۵ / ابن کرامه (۴۹۴ ق) ۱۴۲۰ اق، ص ۵۰ / خوارزمی (۵۶۸ ق)، ۱۴۱۱ اق، ص ۱۷۷، ش ۲۱۴ / ابن بابویه رازی (۵۸۵ ق)، ۱۴۰۸ اق، ص ۷۳، ش ۴۰ / سید بن طاووس (۶۶۴ ق)، ۱۳۷۱ اش، ص ۱۰۳ / طوسی (۴۶۰ ق)، ۱۴۱۴ اق، ص ۴۶۰ و ۴۷۹ / اربلی (۶۹۳ ق)، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۱۴۶ / حلی (۷۲۶ ق)، ۱۴۱۱ اق، ص ۲۳۶ / هیثمی (۸۰۷ ق)، ۱۴۰۸ اق، ج ۹، ص ۱۳۴ / متقی هندی (۹۷۵ ق)، ۱۴۰۹ اق، ج ۱۱، ص ۶۰۳، ش ۳۹۹۱۲ / عاملی (۸۸۷ ق)، ۱۳۸۴ اق، ج ۳، ص ۱۶۳.

۳۰. این حدیث از جمله احادیث متواتر است که بسیاری از اصحاب و تابعین آن را نقل کرده اند. به منظور مصدق شناسی جامع روایت ثقلین می توان به کتاب گراسنگ عقبات الانوار اثر سید میر حامد حسین نیشابوری کنتوری (م ۱۳۰۶ ق) مراجعه کرد که در بخشی از آن ۱۸۷ نفر از راویان حدیث ثقلین به همراه کتاب و ترجمه آن ها بررسی شده است، و علی حسینی میلانی این اثر را تلخیص کرده، و جلد دوم آن را به حدیث ثقلین اختصاص داده است. همچنین ر.ک: عسکری، بی تا، ص ۱۲۶-۱۲۵ که به بررسی اسانید و مصادر حدیث ثقلین و تواتر آن پرداخته است.

۳۱. ترجمه و شرح فیض الاسلام، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸۲. هر چند به نظر نویسندۀ این ترجمه دقیق نبوده، زیرا واژه «کرائم» صفت تفضیلی و به معنای برترین و والاترین بوده، و بر این اساس معنای عبارت چنین می شود که برترین و والاترین فضایل و مناقب در آیات قرآن درباره اهل بیت (ع) است.

۳۲. درباره آن ها (اهل بیت (ع)) آیات کریمه قرآن نازل شده است، اینان گنج های علوم خداوند رحمان اند.

۳۳. کریمه های قرآن شامل آنان است و آنان گنجینه های رحمان اند.

۳۴. کریمه های قرآن شامل آنان است و آنان گنجینه های رحمان اند.

بررسی آسیب‌شناسانه تأثیر نسخه‌های عبده و صبحی صالح بر... □ ۱۵۳

۳۵. آن‌ها مصداق آیات کریمه قرآن و گنجینه‌های علوم خدای رحمان‌اند.
۳۶. درباره منزلت ایشان است، هر چه آیه‌های گرانقدر قرآن است و گنجینه‌های مهر و رحمت پروردگارند.
۳۷. نازل شده درباره آن‌ها کرامت‌های قرآن و آنان هستند گنج‌های پروردگار.
۳۸. آیات کریمه قرآن، همه در شأن اهل بیت است. آنان گنجینه‌های آن ذات مهرگسترند.
۳۹. در مدح خاندان پیمبر آیه‌های گرانمایه‌ای در قرآن است، و بی‌گمان دل‌های آنان گنجینه‌های معرفت کردگار بخشنده و مهربان است.
۴۰. درباره اهل بیت پیامبر ﷺ آیات کریمه قرآن نازل شد، آنان گنجینه‌های علوم خداوند رحمان‌اند.

۴۱. آیات کریمه قرآن آنچه در مدح و منقبت علم و هدایت است درباره ایشان نازل شده.
۴۲. هذا، و نقل ابن أبي الحديد و ابن ميثم بدل «القرآن»: «الإيمان»، و فسره الأول بالتوافل و الثاني بالأخلاق الفاضله). (بهج الصباغة في شرح نهج البلاغة، ج ۳، ص ۴۲۸)
۴۳. بخشی از کلام شیخ صدوق و شیخ مفید در مقدمه آثارشان: «و صلاة على رسوله الامين و على عترته اعلام الدين الذين فيهم كرائم القرآن و هم كنوز الرحمن» (صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۳)؛ «والصلاة والسلام على سيد الانس و الجان محمد المصطفى و على آله الذين هم كنوز الرحمن و فيهم كرائم القرآن» (مفید، بی‌تا، ص ۲۵)

منابع

۱. ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبد‌الحمید عز‌الدین؛ شرح نهج‌البلاغه؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷ش.
۲. ابن بابویه رازی، علی بن عبیدالله؛ الاربعون حدیثاً؛ قم: مؤسسه الامام المهدی ﷺ، ۱۴۰۸ق.
۳. ابن جبرئیل قمی، شاذان؛ الفضائل؛ نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۱ق.
۴. ابن کرامه، شرف الاسلام؛ تنبيه الغافلين عن فضائل الطالبين؛ تحقیق سید تحسین آل شیب الموسوی، قم: مرکز الغدير، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ قم: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.

۱۵۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

۶. ابن مؤدب قمی، حسین؛ نسخه خطی نهج البلاغه؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، شماره ۳۸۲۷.

۷. ابن میثم بحرانی، علی؛ شرح نهج البلاغه؛ بی جا: نشر الکتاب، ۱۳۶۲ ش.

۸. اربلی، ابن ابی الفتح؛ کشف الغمة؛ بیروت: دارالاضواء، ۱۹۸۵ م.

۹. ارفع، سید کاظم؛ الکتاب المعجم لموضوعات نهج البلاغه؛ تهران: فیض کاشانی، ۱۳۷۹ ش.

۱۰. انصاریان، علی؛ الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه؛ تهران: یاسر، ۱۳۵۷ ش.

۱۱. برقی، احمد بن محمد؛ المحاسن؛ تحقیق سید جلال الدین حسینی، بی جا: دار الکتب الاسلامیه، بی تا.

۱۲. تمیمی مغربی، قاضی نعمان؛ شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار؛ تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.

۱۳. جوینی، عزیز الله (مصحح)؛ نهج البلاغه با ترجمه فارسی (مترجم نامعلوم قرن پنجم)؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱۴. حاکم حسکانی، عیبد الله؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البیت؛ تحقیق محمد باقر محمودی، تهران: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.

۱۵. حاکم نیشابوری، محمد؛ مستدرک علی الصحیحین؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.

۱۶. حسینی شیرازی، سید محمد؛ توضیح نهج البلاغه؛ تهران: دار تراث الشیعه، بی تا.

۱۷. حلّی، حسن بن یوسف؛ کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛ تحقیق حسین درگاهی، تهران: محقق، ۱۴۱۱ ق.

۱۸. خاتمی، احمد؛ فرهنگنامه موضوعی نهج البلاغه؛ تهران: سروش، ۱۳۸۱ ش.

۱۹. خوارزمی، موفق بن احمد؛ المناقب؛ تحقیق مالک محمودی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۲۰. دخیل، علی محمد علی؛ شرح نهج البلاغه؛ بیروت: دار المرتضی، ۱۳۶۷ ش.

۲۱. دشتی، محمد؛ فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه؛ قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بی تا.

۲۲. دین پرور، سید جمال الدین؛ نهج البلاغه پارسی؛ تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش.

بررسی آسیب‌شناسانه تأثیر نسخه‌های عبده و صبحی صالح بر... □ ۱۵۵

۲۳. راوندی، قطب‌الدین؛ منهاج البراعة؛ تصحیح سید عبداللطیف کوه‌کمری، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۴ش.

۲۴. زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس؛ بیروت: المكتبة الحیة، بی‌تا.

۲۵. سرخسی، ناصر؛ اعلام نهج‌البلاغه؛ تصحیح عزیزالله عطار، تهران: عطارد، ۱۳۷۳ش.

۲۶. سید بن طاووس، رضی‌الدین؛ الطرائف؛ قم: خیام، ۱۳۷۱ش.

۲۷. سید رضی (موسوی)، محمد؛ تنبیه الغافلین؛ ترجمه و شرح ملا فتح‌الله کاشانی، تهران: پیام حق، ۱۳۷۸ش.

۲۸. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه و شرح سید علی‌نقی فیض‌الاسلام، تهران: فقیه، ۱۳۷۹ش.

۲۹. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه اسدالله مبشری، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ش.

۳۰. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۹ش.

۳۱. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه داریوش شاهین، تهران: جاویدان، ۱۳۷۶ش.

۳۲. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: نقش‌اندیش، ۱۳۷۸ش.

۳۳. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش.

۳۴. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه سید کاظم ارفع، تهران: فیض کاشانی، ۱۳۷۹ش.

۳۵. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه سید نبی‌الدین اولیایی، تهران: زرین، ۱۳۷۶ش.

۳۶. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه عبدالمجید معادیخواه، قم: نشر ذره، ۱۳۷۴ش.

۳۷. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.

۳۸. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه عزیزالله کاسب، تهران: محمد، ۱۳۷۹ش.

۳۹. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه علی اصغر فقیهی، قم: آیین دانش، ۱۳۸۵ش.

۴۰. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه علی شیروانی، قم: نسیم حیات، ۱۳۸۱ش.

۴۱. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه محسن فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.

۴۲. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه محمد بهشتی، بی‌جا: شهرپور، بی‌تا.

۴۳. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه محمد تقی جعفری، تهران: فرهنگ اسلامی، بی‌تا.

۴۴. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور، ۱۳۷۹ش.

۴۵. _____؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه محمدعلی انصاری قمی، تهران: نوین، بی‌تا.

۱۵۶ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

۴۶. _____؛ نهج البلاغه؛ ترجمه محمدعلی شرقی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.

۴۷. _____؛ نهج البلاغه؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: صائب، ۱۳۸۱ش.

۴۸. _____؛ نهج البلاغه؛ ترجمه محمدرضا آشتیانی- محمدجعفر امامی، زیر نظر مکارم شیرازی، قم: هدف، بی تا.

۴۹. _____؛ نهج البلاغه؛ ترجمه مصطفی زمانی، تهران: نبوی، ۱۳۷۸ش.

۵۰. _____؛ نهج البلاغه؛ ترجمه ناصر احمدزاده، تهران: اشرفی، ۱۳۷۸ش.

۵۱. _____؛ نهج البلاغه؛ ترجمه ناهید آقامیرزایی، تهران: بهزاد، ۱۳۷۹ش.

۵۲. _____؛ خصائص الائمة؛ مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.

۵۳. _____؛ مجازات النبویه؛ تحقیق طه محمدالزینی، قم: مکتبه بصیرتی، بی تا.

۵۴. شوشتری، محمدتقی؛ بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغه؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.

۵۵. صبحی صالح؛ نهج البلاغه؛ قم: دار الهجرة، بی تا.

۵۶. صدوق، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.

۵۷. _____؛ کمال الدین و تمام النعمه؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق.

۵۸. صفار، محمد بن حسن؛ بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد؛ تهران: منشورات الاعلمی، ۱۳۶۲ش.

۵۹. صوفی تبریزی، ملاعبدالباقی؛ منهاج الولاية فی شرح نهج البلاغه؛ تصحیح حبیب الله عظیمی، تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸ق.

۶۰. طباطبایی، عبدالعزیز؛ دستنویس های به دست آمده نهج البلاغه تا پایان سده دهم هجری؛ تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش.

۶۱. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الصغیر؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.

۶۲. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تحقیق سید احمد الحسینی، بی جا: نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.

۶۳. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی؛ قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق .

بررسی آسیب‌شناسانه تأثیر نسخه‌های عبده و صبحی صالح بر... □ ۱۵۷

۶۴. عاملی، علی بن یونس؛ *الصرط المستقیم*؛ تحقیق محمدباقر بهبودی، بی‌جا: مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۴ق.

۶۵. عبده، محمد؛ *نهج‌البلاغه*؛ تصحیح محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره: مطبعة الاستقامة، بی‌تا.

۶۶. عسکری، نجم‌الدین؛ محمد علیه السلام و حدیث ثقلین؛ نجف: الآداب النجف، بی‌تا.

۶۷. عیاشی، محمد بن مسعود؛ *تفسیر العیاشی*؛ تهران: مکتبه علمیه الاسلامیه، بی‌تا.

۶۸. فرات کوفی، ابی‌القاسم؛ *تفسیر فرات*؛ تحقیق محمد الکاظم، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

۶۹. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم؛ *ینایع المودة لذوی القربی*؛ تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، بی‌جا: دارالاسوة، ۱۴۱۶ق.

۷۰. کراجکی، ابوالفتح؛ *الاستنصار فی النص علی الائمة الاطهار*؛ بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.

۷۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.

۷۲. کیزری بیهقی، محمد بن حسین؛ *حدائق الحقائق*؛ قم: مؤسسه نهج‌البلاغه و نشر عطار، ۱۳۷۵ش.

۷۳. لیب بیضون؛ *تصنیف نهج‌البلاغه*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.

۷۴. لثی واسطی، علی بن محمد؛ *عیون الحکم و المواعظ*؛ تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحديث، ۱۳۷۶ش.

۷۵. متقی هندی، علاء‌الدین؛ *کنز العمال*؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.

۷۶. مطهری، مرتضی؛ *سیری در نهج‌البلاغه*؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۶ش.

۷۷. معادینخواه، عبدالمجید؛ *فرهنگ آفتاب (فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج‌البلاغه)*؛ تهران: ذره، ۱۳۷۲-۱۳۷۴ش.

۷۸. مغنیه، محمد جواد؛ *فی ظلال نهج‌البلاغه*؛ بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۲م.

۷۹. مفید، محمد بن نعمان؛ *الاعتقادات*؛ بی‌جا: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.

۸۰. _____؛ *الامالی*؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی‌تا.

۸۱. موسوی، سید صادق؛ *تمام نهج‌البلاغه*؛ تهران: مؤسسه امام صاحب الزمان علیه السلام، ۱۳۷۶ش.

۸۲. موسوی، سید عباس؛ *شرح نهج‌البلاغه*؛ بیروت: دار الرسول- دار المحجة البيضاء، ۱۴۱۸ق.

۸۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ *الغیبة*؛ تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، بی‌تا.

۱۵۸ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

۸۴ نواب لاهیجی، محمدباقر؛ شرح نهج البلاغه؛ تهران: اخوان کتابچی، بی تا.

۸۵ نیسابوری کنتوری، سید میر حامد حسین؛ عبقات الانوار؛ تلخیص سید علی حسینی

میلانی، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۰۶ق.

۸۶ هلالی، سلیم بن قیس؛ کتاب سلیم؛ تحقیق محمدباقر انصاری، بی جا: محقق، بی تا.

۸۷ هیثمی، نورالدین؛ مجمع الزوائد؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.